

## توضیحاتی در مورد ضلالت

۱. ضلالت به معنای گمراه شدن در مقابل اهتدا ( هدایت شدن ) است. بنابراین کتاب ضلال کتابی است که نتیجه آن گمراه شدن است ؛ حتی ممکن است کتابی باشد که مؤلف به قصد اضلال آن را ننوشته باشد، اما کسی که آن را می خواند، گمراه شود. همچنین فیلم ضلال، یعنی آن فیلمی که موجب گمراهی بیننده می شود ؛ حال سازنده فیلم به هر نیتی که می خواهد آن را ساخته باشد ؛ مثل کسی که در دفاع از روحانیت، چنان با بدسلیقگی فیلم بسازد که همه از روحانیت بر گردند. این فیلم نیز از مصادیق ضلالت است. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۵، ص ۵ )
۲. ضلالتی که حاصل می شود، باید قطعی باشد. بنابراین اگر مسئله ای محل اختلاف است، نمی توان به ضلالت آن حکم کرد. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۷، ص ۶ )
۳. ضلالت فقط در حوزه اعتقادی نیست، بلکه شامل فهم فقهی و شریعت و همچنین سلوک عملی و اخلاقی نیز می شود ؛ مثلاً اگر فیلمی عقیده کسی را خراب نکند، اما اخلاق او را فاسد کند، ساخت، حفظ و پخش چنین فیلمی حرام است. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۷، ص ۷ )
۴. حفظ و نگهداری کتاب، فیلم و امثال آن، گاهی به این صورت است که آن را از تلف یا معیوب شدن حفظ می کند ؛ مثل اینکه مطلب گمراه کننده ای که در نوار معمولی ضبط شده، آن را به نوار خام مادر منتقل کند تا ده ها سال بماند.
- گاهی هم نگه داری به این است که آن را اصلاح و تعمیر کند ؛ مثل اینکه اوراق کتابی را که موریانه خورده، ترمیم کند یا آن را به نسخه ای که با دوام تر است، منتقل کند. همچنین فرض کنید نوار پر از پارازیت را با وسایل امروزی اصلاح کند ؛ درحالی که اگر پارازیت داشت، اصلاً گمراه کننده نبود ؛ همه اینها از مصادیق حفظ و نگه داری است. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۸، ص ۴ )
۵. معنای حرمت حفظ، وجوب حفظ نکردن این اشیای ضالّه است و این حفظ نکردن، ملازم با إفناء ( نابود کردن ) است ؛ زیرا نابود نکردن مرتبه ای از حفظ کردن است. البته مراتب حفظ مختلف است: گاهی در گاوصندوق حفظ می کنند و گاهی هم آن را از بین نمی برند ؛ اگرچه در حفظ آن هم کوشا نیستند ؛ این هم مرحله ای از حفظ است. بنابراین تا جایی که میسر است باید این اشیای را از بین برد. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۸، ص ۵ )
۶. در وجوب افناء فرقی نمی کند آنچه موجب ضلالت است تنها همان نسخه در دست ما باشد یا نسخه های دیگری هم داشته باشد ؛ زیرا معیار این است که بر خود این نسخه ای که نزد شخص است، ضلالتی مترتب شود. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۸، ص ۶ )
۷. اضلال از گناهان کبیره است و فرقی نمی کند که با مباشرت انجام گیرد یا به سببیت یا منع نکردن از اضلال ؛ مثل اینکه از زیر دست فردی کتاب، فیلم یا نمایش نامه گمراه کننده ای عبور کند و او مانع نشود و در اختیار مردم قرار گیرد ؛ چنین فردی هم موجب اضلال مردم شده است. ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۱، ص ۵ )

## اعتبار علم یا اطمینان یا احتمال عقلایی به وقوع ضلالت

حکم حرمت در موردی است که علم یا اطمینان به وقوع ضلالت باشد یا احتمال ( ۱ ) قابل توجه عقلایی در امور مهم باشد. ( در اموری که نزد عقلاء مهم است، عقلاء منتظر یقین نمی مانند و بر طبق احتمال قوی عمل می کنند. ) ( مکاسب محرّمه، ج ۱۷۷، ص ۴ )

[۱]. احتمال قوی دارای مراتب است. قوت و اهمیّت محتمل با درجه قوت و شدت احتمال، نسبت معکوسی دارد؛ یعنی هرچه محتمل مهم تر باشد، درجه احتمال معتبر نسبت به آن ضعیف تر هم باشد، منجز خواهد بود. فرض کنید اگر مسئله مال مطرح باشد که افراد برایشان مهم است، اینجا احتمال شصت یا هفتاد درصد نزد عقلاء قابل اعتناء است. اما اگر مسئله جان مطرح باشد که از مسئله مال مهم تر است، آنجا درجه احتمال معتبر پایین می آید؛ یعنی احتمال پنجاه درصد هم یا پنجاه و یک درصد هم قابل اعتناء خواهد بود. ( مکاسب محرمه، ج ۱۷۷، ص ۴)